

# تعارض قوانین در دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از هتک حیثیت در حقوق انگلستان، اتحادیه اروپا و ایران

## چکیده

امروزه با پیشرفت ارتباطات و ابزار رسانه‌ای، دعاوی هتک‌حیثیت از مرزهای ملی فراتر رفته است، بطوریکه عناصر بین‌المللی دخیل در چنین دعاوی می‌تواند بسیار متعدد باشد. بدین جهت، نظام‌های حقوقی باید قواعد انتخاب قانونی را در اختیار محاکم قرار دهند که کارایی مطلوبی داشته باشد. در این پژوهش بررسی خواهد شد که نظام‌های حقوقی انگلستان، اتحادیه اروپا و ایران، چه قاعده حل تعارض قوانینی را در ارتباط با دعاوی هتک‌حیثیت بکار می‌گیرند؟ آیا این قواعد با شرایط دعاوی هتک‌حیثیت هماهنگی دارد؟ در نظام‌های حقوقی مورد مطالعه هیچگونه قاعده انتخاب قانون ویژه‌ای برای هتک‌حیثیت طراحی نشده است. در اتحادیه اروپا، با توجه به خروج هتک‌حیثیت از قواعد کلی تعارض قوانین، مقررات ملی در این رابطه اعمال می‌شود. در حقوق ایران تنها قاعده کلی حاکمیت مقر دادگاه قابل اعمال خواهد بود اما در حقوق انگلستان مطابق حقوق عرفی، هتک‌حیثیت هم باید مطابق قانون مقر دادگاه و هم قانون محل وقوع عمل زیانبار مسئولیت‌آور باشد. در این پژوهش، نشان داده خواهد شد که قواعد ارائه‌شده در این نظام‌های حقوقی ناکارآمد بوده و نیازمند همگون‌سازی با دعاوی هتک‌حیثیت است. کلیدواژه: تعارض قوانین، قانون مقر دادگاه، قانون محل وقوع فعل زیانبار، هتک‌حیثیت.

## **Conflict of laws in civil liability claims caused by defamation in the laws of England, European Union and Iran**

### **Abstract**

With the development of communication and media tools, defamation cases have gone beyond national borders, so the international elements involved in such cases can be very numerous. Therefore, the legal systems should provide choice of laws rule for the courts that have a appropriate effect. In this research, it will be investigated that what kind of rules are used in the legal systems of England, the European Union and Iran to determine applicable law. Are these rules complying with the conditions of defamation claims? In the studied legal systems, no special rule has been designed for defamation. In the European Union, due to the Exception of defamation from the general rules of conflict of laws, national rules are applied. In Iranian law, only the general rule of lex fori will be applicable, but in English law, according to common

law, defamation must be held liable by both the lex fori and the lex loci delicti. In this research, it will be shown that the rules provided in these legal systems are ineffective and have to conform with defamation lawsuits.

Keywords: conflict of laws, defamation, lex fori, lex loci delicti.

مقاله پذیرش نشده

## مقدمه

هتک حیثیت<sup>۱</sup> یا افترا عبارت است از: «انتشار یک گفته نادرست درباره یک شخص که بدین وسیله قصد دارد تا حیثیت آن شخص را در نظر اعضای منصف جامعه بکاهد یا باعث شود که آنان از وی بگریزند یا دوری کنند» (Martin, 2011, p.159). قانون مدنی ایران بطور واضح تعریفی از هتک حیثیت یا افترا ارائه نکرده است، لیکن ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی ایران به صراحت به قابل جبران بودن هتک حیثیت اشاره نموده و امکان طرح چنین دعوی را به زیان دیده داده است. مستفاد از ماده یادشده، هتک حیثیت را می‌توان به تصدیق یا انتشار امری بر خلاف واقعیت که موجب ورود زیان به حیثیت یا اعتبارات و موقعیت دیگری می‌شود، تعریف نمود. بنابراین، دعوای هتک حیثیت، در صورتی که بر مبنای مسئولیت مدنی ناشی از آن اقامه شود، در دسته الزامات خارج از قرارداد توصیف می‌گردد و قواعد حاکم بر آن بر همین مبنا تعیین خواهد شد.

با توجه به گستردگی روش‌های ارتکاب هتک حیثیت و عدم ضرورت نزدیکی فیزیکی بین زیان‌زننده و زیان‌دیده<sup>۲</sup>، عناصر خارجی دخیل در دعوای هتک حیثیت فرامرزی می‌توانند بسیار متعدد باشند. در این صورت، دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوا که پیشتر صلاحیت خویش را احراز کرده، با بکارگیری قواعد تعارض قوانین می‌بایست قانون حاکم بر دعوا را مشخص نماید. اما در دعوای هتک حیثیت یافتن عامل ارتباطی مناسب چندان ساده نیست؛ چراکه اعمال قواعد حل تعارضی که با ماهیت و شیوه‌های ارتکاب هتک حیثیت هماهنگی نداشته باشد، آثار نامطلوبی برای اصحاب دعوا و نظم عمومی جامعه به همراه خواهد داشت. چنانکه در چنین دعوایی، دو حق آزادی بیان زیان‌زننده و حفظ حیثیت زیان‌دیده همواره در تعارض هستند، پیروی نظام‌های حقوقی از عامل ارتباطی نامناسب، تعادل این دو حق را برهم زده و منجر به بی‌عدالتی نسبت به یکی از طرفین دعوا می‌گردد. این امر به خصوص در جایی مشکل‌ساز است که اعمال قانون تعیین شده بوسیله قواعد حل تعارض با سنت کشورهای دخیل در دعوا مغایر باشد. در این وضعیت، حقوق بشری، به ویژه آزادی بیان، به شدت در معرض خطر نقض و تعدی قرار خواهد گرفت.

---

<sup>۱</sup>Defamation

<sup>۲</sup> این در حالی است که حتی اگر در بسیاری از انواع خسارات لزومی به چنین مجاورت فیزیکی وجود نداشته باشد، حقوق کشورها وجود آن را شرط دانسته‌اند. به عنوان مثال، در حقوق انگلستان، زیان‌دیدگان ثانویه روانی لزوماً باید در صحنه حادثه حضور فیزیکی داشته باشند (صفایی معافی و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۲۶۶-۲۶۷).

بنابراین، بررسی قواعد انتخاب قانون بکارگرفته شده در نظام‌های حقوقی ضروری است تا در صورت آشکار شدن ناکارآمدی آن قواعد نسبت به دعاوی هتک‌حیثیت، در جهت اصلاح آن اقدام شود. بدین ترتیب، قانونگذاران نظام‌های حقوقی با ملاحظه میزان کارایی قواعد حل تعارض خود نسبت به دعاوی هتک‌حیثیت در خصوص تغییر رویکرد خود در جهت بهبود شرایط حقوقی اتخاذ تصمیم خواهند نمود؛ چراکه عدم توجه به کاستی‌های موجود در مقررات کنونی می‌تواند سبب اعمال قواعد نامناسب در این زمینه شود که نظام قضایی کشور را با چالش‌هایی مواجه می‌سازد.

با ملاحظه این مسائل، پژوهش حاضر در نظر دارد تا با مطالعه قواعد حل تعارض قوانین قابل اعمال نسبت به دعاوی هتک‌حیثیت در نظام‌های حقوقی انگلستان، اتحادیه اروپا و ایران، ضمن تحلیل چگونگی اعمال این قواعد، کاربرد آن را ارزیابی و نقد نماید. براین اساس، پژوهش پیشرو به این پرسش پاسخ خواهد که نظام‌های حقوقی مورد مطالعه از چه قواعد حل تعارضی در ارتباط با دعاوی هتک‌حیثیت استفاده می‌کنند؟ آیا به کارگیری این قواعد توانسته دست‌آورد مطلوبی را در پی داشته باشد یا این نظام‌ها نیازمند وضع قواعد تازه‌ای هستند؟ این نوشتار در سه مبحث به طور جداگانه به رویکرد حقوقی هر کدام از نظام‌های انگلستان، اتحادیه اروپا و ایران نسبت به قواعد انتخاب قانون در دعاوی هتک‌حیثیت می‌پردازد.

## حقوق انگلستان

در مبحث پیشرو، ابتدا، قواعد کلی حل تعارض قوانین موجود در حقوق انگلستان نسبت به تعهدات غیرقراردادی مطالعه می‌گردد، سپس در بخش دوم، شیوه کاربرد این قواعد نسبت به دعاوی هتک‌حیثیت ملاحظه خواهد شد. در نهایت، رویکرد نظام حقوقی انگلستان در خصوص قواعد انتخاب قانون در دعاوی هتک‌حیثیت مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

## قواعد عمومی تعارض قوانین در دعاوی مسئولیت مدنی

در ارتباط با قواعد حل تعارض قابل اعمال نسبت دعاوی الزامات غیرقراردادی، دو مقررۀ را می‌توان بیان داشت. نخست، قانون حقوق بین‌الملل خصوصی (مقررات متفرقه) ۱۹۹۵<sup>۱</sup> که در قسمت دوم خود، قواعد انتخاب قانون در خطای مدنی<sup>۲</sup> و شبه جرم<sup>۱</sup> را معرفی نموده است.

<sup>۱</sup> Private International Law (Miscellaneous Provisions) Act 1995

<sup>۲</sup> tort

همچنین، در حقوق عرفی<sup>۲</sup> انگلستان نیز قاعده‌ای در این زمینه به کار می‌رود. در بخش نخست، رویکرد قانون حقوق بین‌الملل خصوصی بیان می‌گردد و در بخش دوم، قاعده حقوق عرفی تعارض قوانین مطالعه خواهد شد.

### قانون حقوق بین‌الملل خصوصی (مقررات متفرقه) ۱۹۹۵

در حقوق انگلستان، قواعد تعارض قوانین در خصوص خطاهای مدنی در قانون حقوق بین‌الملل خصوصی (مقررات متفرقه) ۱۹۹۵ مقرر شده است (Nielsen, 2013, p.281). قانون یادشده به موجب ماده ۱۰ و ۱۱ خود، ضمن از میان برداشتن قواعد حقوق عرفی انتخاب قانون، قاعده حاکمیت قانون محل وقوع عمل زیانبار<sup>۳</sup> را بعنوان قاعده کلی حل تعارض برگزید. علاوه بر این، ماده ۱۲ قانون یادشده، به‌عنوان جایگزینی برای قاعده کلی مقرر می‌دارد، هرگاه قانون کشوری غیر از کشور تعیین‌شده به‌وسیله قاعده کلی ارتباط بیشتری با خطا داشته باشد، جایگزین قانون تعیین‌شده توسط قاعده کلی می‌گردد.

با این وجود، دعاوی هتک حیثیت به موجب ماده ۱۳ قسمت دوم این قانون از دامنه شمول آن خارج گشته است و هیچکدام از مقررات این قانون نمی‌بایست در مورد هتک حیثیت اعمال شود. بنابراین، قواعد حل تعارض حقوق عرفی انگلستان نسبت به دعاوی هتک حیثیت اعمال خواهد شد.

### قاعده حقوق عرفی

در حقوق عرفی انگلستان، مطابق رأی (Phillips v Eyre (1870) قاعده‌ای موسوم به «قاعده قابلیت شکایت دوجانبه»<sup>۴</sup> وضع گردیده است که از آن در حل تعارض قوانین بهره برده می‌شود (Mills, 2015, p.7-8). در این پرونده، فعل خوانده هرچند به موجب حقوق انگلستان نامشروع بود، اما چون مطابق حقوق محل ارتکاب توجیه گردیده بود، وی از تحمل مسئولیت و جبران خسارت گریخت؛ زیرا دادگاه معتقد بود که عمل زیانبار باید به گونه‌ای باشد که اگر در انگلستان واقع میشد، امکان شکایت داشت و همچنین، مطابق حقوق کشور محل ارتکاب نیز قابل توجیه و تبرئه نباشد (Grušić & Mills, 2023, p.109-130). بنابراین، قاعده

<sup>1</sup> delict

<sup>2</sup> Common law

<sup>3</sup> *lex loci delicti*

<sup>4</sup> double-actionability rule

یاد شده تلفیقی از دو قاعده حاکمیت قانون مقر دادگاه<sup>1</sup> و قانون محل ارتکاب خطا است، بطوریکه دعوی مورد نظر باید مطابق هر دو قانون قابلیت طرح داشته باشد. اما این قاعده حقوق عرفی در آرای متعاقب، با ایجاد استثناهایی، انعطاف بیشتری یافت (Aldag, 2017, p.18-19). به موجب آرای (1971) Boys v Chaplin و Red Sea Insurance Co Ltd v Bouygues SA (1995) دادگاه انگلیسی می‌تواند در صورتی که حقوق یکی از دو کشور محل دادگاه و محل ارتکاب خطا عمده‌ترین ارتباط را در خصوص موضوع خاص دعوا با طرفین و حادثه آسیب‌زا داشته باشد، تنها همان قانون را نسبت به دعوا اعمال نماید (Grušić, 2018, p.1008)؛ هرچند که ادعا براساس قانون محل دادگاه یا ارتکاب خطا قابل طرح نباشد. البته در دعوی Sophocleous v Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs (2018) دادگاه تجدیدنظر معتقد بود که استثنای قاعده قابلیت شکایت دوجانبه نباید بطور بسیار پیاپی مورد استفاده قرارگیرد؛ چراکه با استعمال پیاپی این استثنا، اعطای صلاحیت به قانون انگلستان تبدیل به قاعده کلی می‌گردد<sup>2</sup> و جایگاه قاعده کلی و استثناء جا به جا خواهد شد.

### وضعیت اعمال قاعده نسبت به هتک حیثیت

با توجه به خروج دعوی هتک حیثیت از شمول قانون حقوق بین‌الملل خصوصی، قاعده عرفی انتخاب قانون نسبت به اینگونه دعوی اعمال می‌گردد (Briggs, 2013, p.293). مطابق حقوق عرفی این کشور، محل ارتکاب هتک حیثیت جایی است که مطالب افتراپی دریافت و خوانده می‌شود (Mills, 2017, p.280). براین اساس، در صورتی که هم نشر مطالب موضوع هتک حیثیت در انگلستان باشد و هم بروز خسارت به حیثیت زیان‌دیده در این کشور واقع شود، محل ارتکاب هتک حیثیت در انگلستان محسوب می‌گردد و قانون این کشور حاکم خواهد شد (Rogerson, 2013, p.367)؛ چراکه محل دادگاه رسیدگی‌کننده و ارتکاب خطا یکسان بوده و بنابراین، به سایر عناصر خارجی دعوا توجهی نخواهد شد. همچنین، قاعده‌ای در حقوق انگلستان پذیرفته شده که مطابق آن، هر وقت که گفتار افتراپی به شخص دیگری غیر از فرد مورد افترا انتقال یابد، یک خطای افترای مجزا ارتکاب یافته است و مبنایی برای طرح دعوا قرار می‌گیرد (Hartley, 2009, p.278). از همین جهت، خواهان دعوی هتک حیثیت می‌تواند

<sup>1</sup> *lex fori*

<sup>2</sup> <https://www.casemine.com/judgement/uk/5bbdd43a2c94e04246cc0501>, last visited 25/9/2023

ادعای خویش را تنها محدود به خسارات واقع شده در انگلستان نماید و دادگاه انگلیسی تنها به همان بخش رسیدگی خواهد کرد. در این صورت، بی‌گمان قانون انگلستان که محل ارتکاب خطا است، حاکم بر دعوا خواهد گردید.

لیکن اگر انتشار مطالب افترايي در خارج از انگلستان باشد و دعوا در نزد دادگاه انگلیسی مطرح گردد، دادگاه انگلیسی موظف است تا نسبت به مقایسه قانون مقر دادگاه و قانون محل ارتکاب خطا اقدام کند؛ بطوریکه هتک‌حیثیت باید به موجب هر دو قانون مسئولیت‌آور باشد (Hörnle, 2021, p.401). در این صورت، اگر دعوا مطابق با قانون خارجی قابل طرح باشد، لیکن قانون انگلستان زیان‌زننده را از تحمل بار مسئولیت برهاند<sup>۱</sup>، دادگاه حکم به بی‌حقی خواهان صادر خواهد نمود. به نظر می‌رسد، ملاحظه موقعیت اخیر باشد که قانونگذاران انگلیسی را نسبت به خروج هتک‌حیثیت از شمول صرف قاعده محل وقوع عمل زیانبار ترغیب کرده است؛ زیرا اعمال قاعده حقوق عرفی سبب می‌شود تا خواندگان افترا از حداقل حمایت‌های قانونی فراهم شده توسط حقوق داخلی خود بهره‌برند که چه بسا قانون خارجی چنین حمایت‌هایی را به آنان اعطا نکند. از سوی دیگر، با توجه به ماهیت حساس و عمومی خطای هتک‌حیثیت، حفظ این قاعده می‌تواند مانع اعمال حقوق خارجی در قلمرو سرزمینی انگلستان شود.

البته مطابق ماده ۹ قانون هتک‌حیثیت ۲۰۱۳ انگلستان، دادگاه‌های انگلیسی تنها در صورتی صلاحیت رسیدگی به دعوی هتک‌حیثیت را خواهند داشت که «دادگاه [انگلیسی] قانع شود، از تمام مکان‌هایی که اظهار [افترايي] مورد شکایت در آن نشر یافته، انگلستان و ولز به وضوح مناسب‌ترین مکان برای اقامه دعوا در مورد آن اظهار [افترايي] است». به موجب این مقرر، دادگاه انگلیسی از همان ابتدا اگر خود را مناسب‌ترین مکان برای رسیدگی به دعوا تلقی ننماید، نسبت به آن اعمال صلاحیت نمی‌کند و از این جهت، استثنای قاعده حل تعارض حقوق عرفی نیز در عمل اعمال نخواهد شد.

## بررسی و نقد

در خصوص اعمال قاعده حقوق عرفی انگلستان، عده‌ای آن را به خصوص در مورد هتک-حیثیت اینترنتی مناسب دیده‌اند و عدم تمرکز این قاعده تنها بر یکی از عوامل ارتباطی را از

<sup>۱</sup> حقوق انگلستان دفاعیات متعددی را در اختیار اشخاص قرار داده است که متهمان افترا می‌توانند با تمسک به آن خود را از زیر بار مسئولیت برهاند (Elliot & Quinn, 2017, p.241-256)؛ از جمله صداقت محتوای منتشر شده.

<sup>۲</sup> Defamation Act 2013

نقاط قوت آن می‌دانند؛ زیرا گوناگونی گسترده اشخاص، اهداف و زمینه‌هایی که در آن مرادفات بین‌المللی واقع می‌شود، نیاز به قاعده حل تعارضی که تنها تمرکز بر عامل خاصی نداشته باشد را تقویت می‌کند (Svantesson, 2016, p.505-506). بدین ترتیب، در مواردی که نشر افترا در چندین کشور انجام گرفته است، تمام قوانین آن کشورها مرتبط با دعوا هستند که باید نسبت به آن اعمال گردند؛ بنابراین، با به کارگیری قاعده حل تعارض حقوق عرفی می‌توان به این مطلوب دست یافت که همزمان تمامی قوانین مرتبط نسبت به دعوا اعمال می‌شوند.

لیکن، به نظر می‌رسد، اعمال قاعده قابلیت شکایت دوجانبه نسبت به دعاوی هتک حیثیت نتواند عدالت را بین طرفین دعوا ایجاد کند. بطوریکه اعمال قاعده مزبور، به نفع اصحاب رسانه و ناشران بوده و دامنه دعاوی موفق هتک حیثیت را بسیار محدود می‌نماید که همین امر می‌تواند زیان‌دیده را در تنگنا قرار دهد؛ زیرا در صورتی که ناشری در نزد دادگاه‌های انگلیسی در خصوص افترای منتشر شده در خارج از انگلستان مورد شکایت قرار گیرد، برای او هم دفاعیات مسئولیت مدنی مقرر شده در حقوق انگلستان فراهم است و هم کشور خارجی (Mills, 2017, p.277). علاوه بر این، چون هتک حیثیت در برخی کشورها تنها واجد جنبه کیفری است و امکان طرح دعاوی مدنی را به زیان‌دیده نمی‌دهد، در انگلستان نیز امکان طرح دعاوی مدنی را از زیان‌دیده می‌گیرد (Hörnle, 2021, p.401). ضمن آنکه در تقابل دو حق آزادی بیان و حفظ حیثیت، کشورهای مختلف ممکن است رویکردهای متفاوتی داشته باشند (غلاملو و دریایی، ۱۴۰۱: ۲۰۵) که این امر منجر به سردرگمی خواهان و غیرقابل پیش‌بینی شدن نتیجه دادرسی خواهد شد.

علاوه بر این، با توجه به شیوه ارتکاب هتک حیثیت، اصولاً، در پرونده‌های هتک حیثیت چندین عنصر خارجی دخیل هستند؛ چراکه امروزه رسانه‌ها در زمان واحد، در بسیاری از نقاط دنیا قابل دسترسی هستند و انتشار یک مطلب افتراآمیز می‌تواند به مخاطبین غیرقابل شماری در سراسر جهان برسد که هر بار مشاهده مطالب افتراآمیز می‌تواند خود خسارت و خطایی جداگانه تلقی گردد (Gillies, 2012, p.1011). بنابراین، در دعاوی هتک حیثیت، گاهی محل وقوع خسارت بسیار متعدد خواهد بود و اعمال قاعده حل تعارض قابلیت شکایت دوجانبه کارایی خود را در عمل از دست می‌دهد؛ زیرا تفکیک خسارات براساس محل وقوع آن در عمل غیرممکن بنظر می‌آید. این ملاحظه در خصوص موارد ارتکاب هتک حیثیت از طریق اینترنت بیشتر ایجاد مشکل می‌کند و نشان می‌دهد که این قاعده حل تعارض سنتی و قدیمی بوده و با شرایط جهان امروزی مطابقت ندارد.

در تقویت نظر اخیر می‌توان به رویکرد قانونگذاران نیوزلندی اشاره داشت که هتک‌حیثیت را از دامنه شمول قانون حقوق بین‌الملل خصوصی ۲۰۱۷ (انتخاب قانون در مسئولیت مدنی) خارج نکرده است. بدین ترتیب، در حقوق نیوزلند با هتک‌حیثیت بمانند سایر خطاهای مدنی رفتار می‌شود و قاعده قابلیت شکایت دوجانبه در خصوص هتک‌حیثیت اعمال نمی‌گردد. به عقیده برخی، این رویکرد حقوق نیوزلند مناسب است و حفظ قاعده قابلیت شکایت دوجانبه صرفاً در خصوص دعاوی هتک‌حیثیت بی‌فایده و ناکارآمد خواهد بود؛ زیرا هنگامی که یک شخص تصمیم به انتشار مطلبی فراتر از مرزهای کشور خویش می‌گیرد، می‌بایست آماده پاسخگویی نسبت به محتوای اظهارات خود مطابق قانون حوزه قضایی محل نشر باشد (Wass and Hook, 2017, p.25). البته به موجب ماده ۱۱ قانون یادشده، دادگاه‌های نیوزلند می‌توانند هر قانون خارجی را که در تعارض با نظم عمومی کشورشان است، اعمال نکنند و بدین ترتیب، از حقوق اساسی شهروندان خود نیز حمایت خواهند کرد.

در نتیجه، به نظر می‌رسد، قانونگذاران انگلیسی نیز در آینده از اعمال قاعده قابلیت شکایت دوجانبه در دعاوی هتک‌حیثیت دست کشند و قاعده جدیدی را در این باره معرفی نمایند یا حداقل قواعد عمومی مقرر در قانون حقوق بین‌الملل خصوصی را برای هتک‌حیثیت نیز اعمال کنند.

## حقوق اتحادیه اروپا

در این مبحث، بخش نخست به تبیین قواعد عام تعارض قوانین مسئولیت مدنی در سطح حقوق اتحادیه اروپا اختصاص یافته است و در بخش دوم، آثار و چگونگی اعمال این قواعد نسبت به دعاوی هتک‌حیثیت بررسی خواهد شد. در بخش سوم، رویکرد حل تعارض قوانین نظام حقوقی اتحادیه اروپا به چالش کشیده می‌شود.

## قواعد عام تعارض قوانین در دعاوی مسئولیت مدنی

در خصوص قواعد حل تعارض قوانین موجود در سطح اتحادیه اروپا، دو مقررہ جلب توجه می‌نماید؛ مقررات رم ۲ در خصوص قانون قابل اعمال نسبت به تعهدات غیرقراردادی<sup>۱</sup> و

<sup>۱</sup> REGULATION (EC) No 864/2007 OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 11 July 2007 on the law applicable to non-contractual obligations (Rome II)

دستورالعمل تجارت الکترونیک<sup>۱</sup>. در ادامه، قاعده انتخاب قانون ارائه شده در این دو مقررہ ملاحظه می‌گردد.

## مقررات رم ۲

در حقوق اتحادیه اروپا، به موجب ماده ۱ مقررات رم ۲، قواعد حل تعارض قوانین این مقررہ باید نسبت به تعهدات غیر قراردادی در موضوعات مدنی و تجاری اعمال گردد. بند ۱ ماده ۴ مقررہ یادشده، «قانون محل وقوع خسارت»<sup>۲</sup> را صرف نظر از محل وقوع اتفاق منجر به خسارت و محل وقوع نتایج غیر مستقیم آن، به عنوان قاعده کلی حل تعارض پذیرفته است. با این حال، جایی که زیان‌زننده و زیان‌دیده، در کشور یکسانی اقامت دائم<sup>۳</sup> داشته باشند، قانون همان کشور اعمال خواهد شد. بند ۳ ماده ۴ نیز قاعده‌ای استثنائی را بر دو بند پیشین ارائه می‌دهد که براساس آن، هرگاه از تمام شرایط پرونده روشن باشد که خطا به طور آشکار ارتباط نزدیکی با یک کشور دیگری داشته باشد، قانون آن کشور باید نسبت به دعوا به کاربرده شود. بنابراین، قواعد مقرر رم ۲ در قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلستان نیز منعکس شده است.

با این وجود، به موجب بند (g) (۲) ماده ۱، تعهدات غیر قراردادی ناشی از نقض حریم خصوصی و حقوق مرتبط با شخصیت از جمله هتک حیثیت از دامنه شمول این مقررات خارج شده است؛ چراکه در زمان انجام مذاکرات برای تدوین مقررات رم ۲، مسئله هتک-حیثیت و حریم خصوصی برای تعدادی زیادی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به علت تعارض بین حق آزادی بیان و حق حفظ حریم خصوصی، بسیار حساس بود (Kenny & Heffernan, 2015, p.315-316). از همین جهت، این موضوع را «عرصه تمام‌عیار برخورد فرهنگ‌ها»<sup>۴</sup> نامیده‌اند؛ چراکه قاعده کلی مندرج در ماده ۴ منجر به اعمال قانون کشوری می‌شد که خسارت در آن واقع شده است، یعنی قانون کشور محل اقامت دائم زیان‌دیده (Nielsen, 2019, p.37). این امر می‌توانست منجر به نقض آزادی بیان رسانه‌های اروپایی گردد که اعتراض آنان را برمی‌انگیخت. در نتیجه، با توجه به عدم همسان‌سازی قواعد حل تعارض قوانین در سطح

<sup>1</sup> DIRECTIVE 2000/31/EC OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 8 June 2000 on certain legal aspects of information society services, in particular electronic commerce, in the Internal Market (Directive on electronic commerce)

<sup>2</sup> *lex loci damni*

<sup>3</sup> habitual residence

<sup>4</sup> The perfect arena for cultural clashes

اتحادیه اروپا، دادگاه‌های کشورهای عضو ناگزیر به اعمال قواعد ملی تعارض قوانین خودشان نسبت به دعاوی هتک حیثیت هستند.

## دستورالعمل تجارت الکترونیک

در خصوص دعاوی مسئولیت مدنی، ماده ۳ دستورالعمل تجارت الکترونیک مقرراتی دارد که می‌تواند بر قواعد حل تعارض موثر واقع شود. مطابق بند ۱ این ماده، «هر کشور عضو باید اطمینان حاصل کند که خدمات جامعه اطلاعاتی ارائه شده توسط ارائه‌دهنده خدمات مستقر در قلمرو آن، با مقررات ملی قابل اجرا در کشور عضو مورد نظر که در زمینه هماهنگ<sup>۱</sup> قرار می‌گیرد، مطابقت دارد». به علاوه، بند ۲ ماده مزبور بیان می‌دارد: «کشورهای عضو نمی‌توانند، به دلایلی که در زمینه هماهنگ قرار می‌گیرد، آزادی ارائه خدمات جامعه اطلاعاتی از یک کشور عضو دیگر را محدود کنند». این مقررات، هر چند بصورت غیرمستقیم، می‌تواند قانون قابل اعمال را تعیین کند.

در دعوی *eDate Advertising v X and O and R Martinez v MGN Ltd*

(2011)، دیوان دادگستری فدرال<sup>۲</sup> آلمان از دیوان دادگستری اتحادیه اروپا<sup>۳</sup> خواست تا به این پرسش پاسخ دهد که آیا مقررات یادشده، در ماهیت خود، می‌تواند یک قاعده حل تعارضی تلقی شود که قانون قابل اعمال نسبت به تعهدات غیرقراردادی ناشی از نشر مغایر با حقوق شخصیتی در یک وبسایت را تعیین می‌کند؟ دادگاه اروپایی معتقد بود که ماده ۳ دستورالعمل تجارت الکترونیک هیچ تاثیری بر قواعد تعارض قوانین کشورهای عضو ندارد و در صدد هماهنگ‌سازی آن نیست<sup>۴</sup>. لیکن دادگاه اروپایی بیان داشت، ارائه‌دهنده خدمات تجارت الکترونیکی نباید مشمول الزامات سخت‌گیرانه‌تری نسبت به الزامات پیش‌بینی شده توسط قانون ماهوی قابل اجرا در کشوری بشود که در آن مستقر است<sup>۵</sup>. بنابراین، کشورهای عضو همچنان مجازند تا با توجه به قواعد حل تعارض قوانین خودشان، قانون ماهوی که

<sup>۱</sup> منظور از «زمینه هماهنگ» (coordinated field) در این دستورالعمل، «الزامات وضع شده در سیستم‌های حقوقی کشورهای عضو بوده که برای ارائه دهندگان خدمات جامعه اطلاعاتی یا خدمات جامعه اطلاعاتی قابل اعمال است، صرف نظر از اینکه ماهیت کلی داشته یا به طور خاص برای آنها طراحی شده باشند».

<sup>۲</sup> Bundesgerichtshof

<sup>۳</sup> Court of Justice of the European Union

<sup>۴</sup> <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/en/TXT/?uri=CELEX:62009CC0509>, last visited: 22/9/2023

<sup>۵</sup> <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/ALL/?uri=CELEX%3A62009CJ0509>, last visited: 22/9/2023

نسبت به هتک حیثیت قابل اعمال است به اجرا گذارند؛ اما تا جایی که منجر به محدودیت آزادی خدمات جامعه اطلاعاتی که توسط قانون محل استقرار ارائه‌دهندگان چنین خدماتی اعطا شده، نگردد.

همچنین، در دعوی Sotiris Pappasavvas v O Fileleftheros Dimosia Etaireia Ltd and Others (2014) از دیوان دادگستری اروپا پرسش شد، آیا دستورالعمل مانع اعمال قواعد کشورهای عضو در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از هتک- حیثیت نسبت به ارائه دهندگان خدمات جامعه اطلاعاتی می‌شود؟ دادگاه به این پرسش پاسخ منفی داد و معتقد بود که کشورهای عضو نمی‌توانند آزادی ارائه خدمات جامعه اطلاعاتی را نسبت به کشور عضو محل استقرار ارائه‌دهندگان محدودتر نمایند.<sup>1</sup>

نکته قابل توجه نسبت به دستورالعمل این است که در خصوص «ارائه‌دهندگان خدمات» اعمال می‌شود که در بند (b) ماده ۲ دستورالعمل این چنین تعریف شده که عبارت‌اند از «هر شخص طبیعی یا حقوقی که خدمات جامعه اطلاعاتی را ارائه می‌کند». خدمات جامعه اطلاعاتی نیز به معنای خدماتی است که از راه دور بوسیله تجهیزات الکترونیکی توسط یک شبکه ارتباطات الکترونیکی، عموماً در ازای دریافت اجرتی به درخواست دریافت‌کننده آن خدمات ارائه می‌شود (Asensio, 2020, p.60). بدین ترتیب، به نظر می‌رسد، این دستورالعمل نسبت به اشخاص عادی، مانند نویسندگان یک کتاب که آن را در یک وبسایت به اشتراک می‌گذارند، اعمال نگردد، بلکه مالکین آن وبسایت و گردانندگان آن مشمول عنوان ارائه‌دهنده خدمات بشوند؛ زیرا مطابق تعریف ابراز شده، نویسندگان عادی هیچگونه خدمات برخطی را در فضای مجازی ارائه نمی‌دهند.

## وضعیت اعمال قاعده نسبت به هتک حیثیت

با توجه به اینکه رم ۲ هتک حیثیت را از دامنه شمول خود خارج نموده است، قواعد حل تعارض قوانین ملی در باره دعاوی هتک حیثیت فرامرزی اعمال خواهد شد. لیکن در حال حاضر، کشورهای عضو اتحادیه اروپا هر کدام رویکرد مستقلی برای حل تعارض قوانین به کار گرفته‌اند (Kuipers, 2011, p.1696-1697). در بین کشورهای عضو، تنها تعداد محدودی از نظام حقوقی قاعده ویژه‌ای را در ارتباط با هتک حیثیت وضع کرده‌اند و باقی کشورهای عضو همان

<sup>1</sup> <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/en/TXT/?uri=CELEX:62013CJ0291>, last visited: 25/8/2023.

قواعد کلی تعارض قوانین مرتبط با تعهدات غیرقراردادی را در این زمینه به کار می‌برند (European Commission, 2009, p.77).

متداول‌ترین عامل ارتباطی استفاده شده در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا قانون محل ارتکاب خطا است. با این حال، کشورهای عضو در تفسیر مفهوم «محل ارتکاب»، رویکردهای متفاوتی را به کار گرفته‌اند (Council of Europe, 2019, p.33)؛ زیرا در خصوص دعوای هتک حیثیت، در بسیاری از موارد به علت توزیع گسترده مطالب افتراپی در بین کشورهای مختلف، تعیین دقیق محل وقوع خطا دشوار است.

بنابراین، باید مشخص گردد که در دعوای هتک حیثیت مفهوم محل ارتکاب خطا به چه چیزی اطلاق دارد؟ محلی که مطالب افتراپی از آنجا منتشر شده، محل توزیع و رسیدن مطالب افتراپی به دست مخاطبین و محلی که زیان دیده در آنجا از حیثیت خود بهره می‌برد که عموماً به محل اقامت دائمی وی اطلاق می‌گردد؛ از جمله عوامل ارتباطی استفاده شده در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند (European Commission, 2009, p.79-93). در نتیجه، تعیین قانون قابل اعمال نسبت به دعوای هتک حیثیت در اتحادیه اروپا، بستگی به قواعد حل تعارض کشورهای عضو دارد و از این جهت، قواعد صلاحیت همسان در سطح اتحادیه اروپا می‌تواند بر قواعد انتخاب قانون نیز تاثیر گذارد.

به موجب صدر ماده ۷ مقررات بروکسل<sup>۱</sup>، دادگاه محل وقوع حادثه صالح به رسیدگی خواهد بود. در تفسیر این ماده در مورد هتک حیثیت، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در دعوای *Shevill v Presse Alliance SA (1995)* معتقد بود که خواهان می‌تواند دعوای خود را یا در کشور عضوی که مطالب افتراپی در آن توزیع گشته اقامه کند یا در جایی که ناشر (خواننده) در آن «مستقر»<sup>۲</sup> است؛ بطوریکه دادگاه نخست باید نسبت به تمام خسارات وارد آمده رسیدگی کند و دادگاه دوم تنها نسبت به خسارات واقع شده در قلمرو خود امکان رسیدگی دارد (Stone, 2015, p.13). بنابراین، دادگاه اروپایی هم دادگاه «محل استقرار ناشر» و هم دادگاه «محل توزیع» را با حدود مختلفی صالح تعیین نمود.

بدین ترتیب، در صورتی که خواهان بخواهد دعوا را در محل نشر یا توزیع افترا اقامه کند، این امکان وجود دارد که دعوا در چندین حوزه قضایی به میزان خسارات وارد آمده در قلمرو همان حوزه طرح گردد؛ چنانکه در برخی از کشورها هر بار مشاهده مطالب افتراآمیز ممکن

<sup>1</sup> Regulation (EU) No 1215/2012 of the European Parliament and of the Council of 12 December 2012 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters (recast)

<sup>2</sup> established

است به عنوان یک خطای جداگانه و منشایی برای اقامه دعوا محسوب شود. بدین ترتیب، قانون کشور محل اقامه دعوا و محل وقوع خسارت بر دعوا حاکم خواهد شد. همچنین، اگر خواهان دعوی خویش را در محل استقرار ناشر مطرح کند، دادگاه که صلاحیت رسیدگی به تمام دعوی جبران خسارت را دارد، مجبور خواهد بود تا قوانین کشورهای دیگر درگیر در پرونده را بر یک «مبنای توزیعی»<sup>۱</sup> اعمال نماید (Warshaw, 2006, p.280-281)؛ بطوریکه بر یک دعوا با موضوع یکسان و طرفین یکسان قانون چندین کشور اعمال خواهد شد

## بررسی و نقد

خروج هتک‌حیثیت از دامنه شمول مقررات رم ۲ به دلیل وجود اختلاف‌هایی در بین کشورهای عضو بود و از این جهت، طراحان این مقررات را نمی‌توان سرزنش کرد، چراکه خروج هتک‌حیثیت آسان‌ترین تصمیمی بود که در آن وضعیت اتخاذ شد؛ هرچند بجای رفع اختلاف و ارائه یک راه‌حل مطلوب که امری بسیار دشوار بود، مسیر سهل مسکوت گذاشتن قواعد انتخاب قانون پیش گرفته شد.

ارائه قواعد همسان حقوق بین‌الملل خصوصی در زمینه هتک‌حیثیت که بتواند در چندین کشور مورد پذیرش قرار گیرد، امری غیر ممکن به نظر می‌آید؛ زیرا مسئولیت مدنی علاوه بر جنبه خصوصی و جبران خسارت اشخاص جامعه، دارای جنبه عمومی است. جنبه عمومی حقوق مسئولیت مدنی در پی تنظیم رفتارهای جامعه بوده و ارتباط مستقیمی با نظم عمومی یک کشور دارد و دولت‌ها به طور معمول اجازه دخالت سایر حاکمان را در چنین امور مهمی نسبت به جامعه خود نمی‌دهند؛ چراکه دولت‌ها رویکردهای گوناگونی را در ارتباط با دعاوی هتک‌حیثیت با توجه به ملاحظات فرهنگی و سیاسی خود به کار می‌گیرند؛ برخی حق آزادی بیان را بر پاره‌ای دیگر از حقوق بشری برتری داده‌اند و تعدادی دیگر نیز حمایت از حیثیت اشخاص جامعه را بر حق آزادی بیان مرجح می‌دانند. همین امر موجب شده تا نظام‌های حقوقی بر اعمال قوانین خارجی در حوزه قملرو خود بی‌رغبت باشند، چگونه می‌توان در کشوری که آزادی بیان را برای اشخاص جامعه خود ضروری می‌داند، قانونی را اعمال نمود که آزادی بیان اشخاص جامعه را از آنان سلب می‌کند.

بر این اساس، در صورتی که قانونگذاران بخواهند مقررات همسانی را در سطح اتحادیه اروپا تنظیم نمایند، ناگزیر به انتخاب قاعده‌ای هستند که بتواند تعادل مناسبی بین حقوق

---

<sup>1</sup> distributive basis

بشری ارج نهاده شده توسط کشورها ایجاد کند و اگر قاعده ارائه شده این تعادل را ایجاب نماید، نظام‌های حقوقی آن را نخواهند پذیرفت. وجود این حساسیت‌ها در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا و نیز اصحاب رسانه نشان می‌دهد که چرا طراحان مقررات اتحادیه اروپا، با اینکه برای بسیاری از خطاهای مدنی اقدام به وضع مقررات انتخاب قانون کرده‌اند، در حقوق مرتبط با شخصیت، از جمله هتک‌حیثیت، قاعده ویژه‌ای را پیش‌بینی نکرده‌اند.

لیکن فقدان مقررات یک دست در سطح اتحادیه اروپا باعث گردیده که کشورهای عضو، قوانین ملی خود را در ارتباط قواعد حل تعارض نسبت به دعوای هتک‌حیثیت فرامرزی اعمال کنند؛ یعنی ممکن است که به تعداد کشورهای عضو اتحادیه اروپا قواعد حل تعارض قوانین وجود داشته باشد. این مسئله به شدت بر یکنواختی قواعد حقوقی اروپایی تاثیر می‌گذارد، قابلیت پیش‌بینی و قطعیت حقوقی را به همراه ندارد و خواندگان را در معرض اعمال قواعد انتخاب قانون متعدد قرار می‌دهد؛ زیرا وجود ۲۶ قاعده حل تعارض قوانین مختلف در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا، پیش‌بینی آنکه کدام قانون حاکم بر دعوا خواهد شد را دشوار ساخته است؛ زیرا با توجه به اینکه منطقه اروپا دربردارنده سنت‌های حقوقی مختلف بوده، این گوناگونی سنت‌ها در تنظیم قواعد حل تعارض نیز منعکس گردیده است. به همین جهت، برخی کشورها قاعده انتخاب قانونی را در نظام‌های حقوقی ملی خود جا داده‌اند که به طور عمده‌ای به سمت حمایت از طرف آسیب‌دیده گرویده است (European Commission, 2009, p.77-79)؛ چنانکه به عنوان مثال، اعمال قاعده انتخاب قانون محل استقرار ناشر یا نشر مطالب به نفع خواندگان بوده و کاربرد قاعده محل اقامت دائم زیان‌دیده یا محل وقوع خسارت بیشتر دلخواه خواهان است.

علاوه بر این، قواعد صلاحیت همسان مقرر شده نیز اثر نامطلوبی را بر قواعد تعارض قوانین نهاده که منجر به پیچیدگی آن گردیده، اصحاب دعوا را دچار سردرگمی می‌کند و مسیر را برای سوء استفاده خواهان بسیار هموار می‌سازد؛ چراکه خواهان می‌تواند با اقامه دعوا در محل خسارت، ضمن تعیین گزینشی حوزه‌های قضایی، قانون ماهوی مدنظر خود را بر دعوا حاکم کند که بر خلاف انصاف و عدالت است. این وضعیت به خصوص درجایی که خواهان بخواهد با اعمال قانون مدنظر خود، «حق آزادی بیان» خوانده را سلب کند، آثار بدی بر حقوق و آزادی‌های اشخاص جامعه می‌گذارد. همچنین، اگر خواهان دعوا را در یک دادگاه و برای تمام خسارات وارده اقامه نماید، در عمل دادگاه را با مشکل مواجه می‌سازد؛ زیرا تفکیک آسیب‌های وارده بر حیثیت زیان‌دیده بر مبنای محل وقوع آن ناممکن خواهد بود.

در نتیجه، با توجه به ملاحظات بیان شده، عدم هماهنگ‌سازی قواعد حل تعارض در اتحادیه اروپا مطلوب نیست و لزوم همسان‌سازی این قواعد برای ارتقای قطعیت حقوقی و جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی یکی از اصحاب دعوا ضروری به نظر می‌رسد.

## حقوق ایران

در این مبحث، ابتدا قواعد عام حل تعارض قوانین نسبت به دعاوی مسئولیت مدنی در حقوق ایران تبیین و تحلیل خواهد شد و سپس، اعمال این رویکرد نسبت به دعاوی هتک‌حیثیت فرامرزی و آثار و پیامدهای ناشی از آن ارزیابی می‌گردد.

## قواعد عام تعارض قوانین در دعاوی مسئولیت مدنی

در نظام حقوقی ایران قاعده تعارض قوانین که اشاره‌ای به تعهدات غیرقراردادی داشته باشد، وجود ندارد. با این حال، با استنباط از برخی مقررات وضع شده در ایران می‌توان قواعد انتخاب قانونی را در این زمینه به دست آورد. در بخش نخست، مقررات قانون مدنی ملاحظه می‌شود تا رویکرد آن نسبت به انتخاب قانون در تعهدات غیرقراردادی مشخص گردد. در بخش دوم، پاره‌ای توافقتنامه‌های دولت ایران با سایر کشورها که به قواعد حل تعارض قوانین پرداخته‌اند، اشاره می‌گردد.

## قانون مدنی

قانون مدنی ایران به صراحت هیچگونه قاعده حل تعارض قوانینی را برای الزامات خارج قرارداد، از جمله هتک‌حیثیت، وضع نکرده است و همین امر منجر شده تا قواعد مختلفی در این زمینه قابل استنباط باشد.

به موجب ماده ۵ قانون مدنی ایران، به عنوان یک اصل کلی، تمامی سکنه ایران تابع قوانین این کشور خواهند بود. بدین ترتیب، حاکمیت قانون مقر دادگاه می‌تواند به عنوان یک اصل در این خصوص پذیرفته شود؛ زیرا بنا به اصل، قوانین ایران در داخل قلمرو سرزمینی این کشور و بر تمامی اشخاص و اموال موجود در آن حاکمیت دارد و بنابراین، هرگاه بین اجرای قانون ایرانی و خارجی تردید حاصل گردد، قانون ایران باید بر ساکنان آن اجرا شود (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص. ۲۲۴). از این رو، با توجه به عدم تصریح قانونگذار نسبت به قواعد انتخاب قانون

در تعهدات غیر قراردادی می‌بایست قانون مقر دادگاه به عنوان اصل اجرا گردد. اما این فرض در صورتی است که طرفین ساکن ایران باشند و ماده مزبور تصویر کاملی از اصل سرزمینی بودن ارائه نمی‌دهد (طباطبائی‌نژاد و ایرانیپور، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۳). بنابراین، اگر طرفین دعوا ساکن ایران نباشند، مقررۀ یادشده راه‌حلی ندارد. با این وجود، در عمل، با توجه به قواعد صلاحیت قضایی بین‌المللی، قانون مقر دادگاه، اغلب امکان اعمال را خواهد داشت؛ زیرا با توجه به مقررات قانون آیین دادرسی مدنی ایران که در مورد صلاحیت بین‌المللی نیز قابل استناد است (صفایی، ۱۳۹۳، ص. ۱۹۲)، محاکم ایرانی از همان ابتدا، اصولاً به دعوای طرفین غیر ساکن در ایران رسیدگی نخواهند نمود.

در مقابل این نظریه، با استناد به ماده ۹۶۸ قانون مدنی می‌توان معتقد بود که حقوق ایران از قاعدۀ قانون محل وقوع فعل زیان‌بار پیروی کرده است؛ زیرا با استفاده از وحدت ملاک ماده یادشده که تعهدات ناشی از عقود را تابع منشاء آن دانسته است، در تعهدات غیر قراردادی نیز قانون محل پدید آمدن منشاء اینگونه تعهد حاکم خواهد بود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹، ص. ۴۹۷). بر همین مبنا، در تعارض قوانین نسبت به تعهدات اصل بر حاکمیت قانون محل وقوع آن‌ها است (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص. ۵۸۰؛ صالحی ذهابی، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۶). اما این استدلال به نظر قیاس مع الفارق است؛ زیرا بین تعهدات قراردادی و غیر قراردادی، حداقل از منظر حقوق بین‌الملل خصوصی و ملاحظات پیرامون هتک حیثیت، تفاوت وجود دارد. در تعهدات قراردادی، منشاء ایجاد تعهد، توافق طرفین است و عدم اجرای عقد منجر به زیان شخص خاصی (طرف زیان‌دیده) می‌شود. در حالی که مسئولیت مدنی دارای جنبۀ عمومی بوده، زیان‌دیده خاصی ندارد و هیچ توافقی از پیش بین طرفین دعوا موجود نبوده است. بنابراین، پذیرش قاعدۀ حل تعارض محل وقوع تعهد در حقوق ایران نیازمند تصریح قانونگذار بوده و با وحدت ملاک از ماده ۹۶۸ قانون مدنی نمی‌توان چنین قاعده‌ای را استنباط نمود<sup>۱</sup>.

سومین نظریه‌ای که در این باره ابراز شده و به نظر هیچگونه توجیه قانونی در ایران ندارد، حاکمیت قانون مناسب در دعوای ناشی از تعهدات غیر قراردادی است. مطابق این عقیده، در هر عمل نامشروع که منجر به وقوع خسارت می‌گردد، دادگاه رسیدگی‌کننده می‌بایست با ملاحظه اوضاع و احوال پرونده و عوامل موثر بر آن، عامل ارتباطی که بیشترین نزدیکی با

---

<sup>۱</sup> ضمن آنکه برخی معتقدند ماده ۹۶۸ قانون مدنی باید برخلاف منطوق آن تفسیر شود به گونه‌ای که با اصل حاکمیت اراده سازگار آید. در نتیجه، قراردادها باید تابع قانون مورد توافق طرفین باشند. بدین ترتیب، ماده یادشده دیگر برای اجرای قانون محل انعقاد عقد، بعنوان منشاء تعهد، دلالت نمی‌کند و از این رو، محل وقوع عمل زیان‌بار بعنوان منشاء تعهد در مسئولیت مدنی قابل پذیرش نخواهد بود (شریعت‌باقری، ۱۳۹۴، ص. ۹۰).

دعوا دارد را برگزیند (سلجوقی، ۱۴۰۰، ص. ۳۹۳-۳۹۴). اما با سکوت قانونگذار ایرانی، پذیرش این قاعده تنها بعنوان استثنایی بر اصل حاکمیت قانون محل وقوع عمل زیان‌بار خواهد بود (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۸۶)؛ زیرا اعمال همیشگی قاعده حل تعارض محل وقوع فعل زیان‌بار می‌تواند در پاره‌ای از موارد منجر به نتایج نامطلوبی گردد (صالحی‌ذهابی، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۶-۱۲۸). در توجیه حقوقی این قاعده بیان شده که هرچند اعمال آن هیچگونه منبع قانونی ندارد، لیکن با تکیه بر اصول کلی قابل تشخیص در نظام تعارض قوانین قانون مدنی می‌توان بدان دست یافت؛ چنانکه قانون مدنی ایران، در مواردی خاص، قابلیت اعمال قوانین مناسب دیگری را بر قاعده اصلی پذیرفته است، چنین استثنائی نیز می‌تواند برای قاعده اصلی حل تعارض در تعهدات غیرقراردادی به کار گرفته شود (طباطبائی‌نژاد و ایرانپور، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۷). لیکن این قیاس صحیح نیست؛ زیرا چنانکه قسمت اخیر ماده ۵ قانون مدنی بیان می‌دارد، اعمال هرگونه استثنایی بر قاعده اصلی تعارض قوانین نیازمند تصریح قانونی است و در صورت فقدان قانون، انحراف از قاعده اصلی مجاز نخواهد بود.

در نتیجه، با سکوت قانونگذار ایرانی در خصوص تعهدات غیرقراردادی، می‌بایست با استناد به ماده ۵ قانون مدنی حاکمیت قانون مقر دادگاه را پذیرفت (طباطبائی و شنیور، ۱۳۹۴، ص. ۳۸) و چون قانونگذار ایرانی هیچگونه پیش‌بینی در مورد دعاوی هتک‌حیثیت نکرده است، همین قاعده را نسبت به دعاوی هتک‌حیثیت فرامرزی نیز اعمال نمود.

## موافقتنامه‌های بین‌المللی دولتی

برخلاف قانون مدنی ایران که در خصوص قواعد انتخاب قانون در تعهدات غیرقراردادی فاقد هرگونه راه‌حلی است، در برخی از موافقتنامه‌ها بین دولت ایران و دولت‌های دیگر، قاعده «محل وقوع عمل زیان‌بار» مورد پذیرش قرار گرفته است. به عنوان نمونه، در بند ۱ ماده ۳۴ قانون موافقتنامه میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزایی مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸ مقرر گردیده: «مسئولیت جبران خسارت به استثنای تعهدات ناشی از قراردادها و سایر اقدامات حقوقی توسط قوانین آن طرف متعاهدی که عمل یا شرایطی که موجب مسئولیت جبران شده است در خاک آن به وقوع

پیوسته تعیین می‌شود»<sup>۱</sup>. بنابراین، قانون یادشده، ضمن اعمال تمایز بین تعهدات قراردادی و غیرقراردادی، قانون محل وقوع عمل زیان‌بار را حاکم بر دعاوی مسئولیت مدنی دانسته است. با وجود آنکه این موافقتنامه‌ها در روابط دوجانبه بین ایران و کشورهای معینی ایجاد گشته‌اند، لیکن به نظر عده‌ای، مستفاد از ملاک این موافقتنامه‌ها می‌توان ابراز داشت که قانونگذار ایرانی حاکمیت محل وقوع را می‌پذیرد؛ زیرا دلیلی وجود ندارد که نظام حقوقی ایران در روابط بین برخی کشورها قانون محل وقوع را به کار گیرد و در خصوص سایر کشورها از قاعده حل تعارض دیگری استفاده کند (شریعت‌باقری، ۱۳۹۶، ص. ۳۷۳). اما این عقیده را نمی‌توان پذیرفت؛ چراکه دولت ایران بنا به ملاحظات سیاسی و روابط متقابل چنین معاهداتی را منعقد کرده است، در حالی که در روابط بین دیگر کشورها چنین ملاحظاتی وجود ندارد. بنابراین، اعمال این قاعده را باید محدود به روابط بین دو دولت متعاهد دانست.

### وضعیت اعمال قاعده نسبت به هتک حیثیت

با پذیرش حاکمیت قانون مقر دادگاه به عنوان یک اصل، قاعده حل تعارض قوانین بطور کاملی بستگی به صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده خواهد داشت و قانون قابل اعمال نمی‌تواند بدون توجه و ارجاع به قواعد صلاحیت قضایی تعیین شود. براین اساس، قواعد صلاحیت قضایی ایران در خصوص هتک حیثیت نقش مهمی را در حاکمیت قانون ایران ایفا می‌کند. هرچند وجود مقررات صلاحیت ارتباط دعوا با مقر دادگاه را تا حدودی توجیه می‌کند، اما به هر صورت، محل انتشار محتوای افتراآمیز تاثیری در عدم اعمال قانون ایران نخواهد داشت و دادگاه ایرانی به محض احراز صلاحیت خود، قانون ایران را بر دعوی هتک حیثیت اعمال خواهد کرد.

همچنین در مواردی که قانون محل وقوع عمل زیان‌بار حاکم باشد، چنانکه در برخی از موافقتنامه‌های دولتی مقرر شده است، به نظر می‌رسد، محلی که مطالب افتراپی مشاهده شده، با مفهوم عمل زیان‌بار مطابقت بیشتری داشته باشد و قانون آن کشور باید نسبت به دعوا اعمال گردد؛ زیرا بدون مشاهده مخاطبین، حیثیت زیان‌دیده هتک نشده و در آن محل است که عمل زیان‌بار تمام می‌شود. بدین ترتیب، دادگاه یا براساس قواعد صلاحیت خود نسبت به

---

<sup>۱</sup> مقررات مشابهی در بند ۱ ماده ۳۰ قانون موافقتنامه معاضدت قضایی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸، ماده ۲۴ قانون موافقتنامه معاضدت و روابط قضایی در موضوعات مدنی و جزایی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان مصوب ۱۳۸۴/۷/۲۶ و بند ۱ ماده ۲۶ قانون موافقتنامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و جزایی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴ بیان گردیده است.

تمام دعوا رسیدگی خواهد نمود یا تنها نسبت به خسارات وارده در قلمرو سرزمینی ایران. در فرض نخست، ناگزیر به اعمال قوانین مختلف با توجه به محل وقوع خطا خواهد بود؛ زیرا در دعاوی هتک حیثیت احتمال توزیع مطالب افتراپی در کشورهای متعدد متداول خواهد بود. در فرض دوم، دادگاه تنها قانون ایران را نسبت به قسمتی از دعوا اعمال می‌کند.

## بررسی و نقد

برخلاف حقوق اتحادیه اروپا و انگلستان که سکوت قانونگذاران ناشی از هراس دولت‌ها نسبت به پایمال شدن حقوق شهروندان خویش توسط قانون خارجی بود، به نظر، سکوت قانونگذار ایرانی از روی سهل‌انگاری و بی‌توجهی بوده باشد که ضرورت وضع قاعده خاصی را در این باره نشان می‌دهد. لیکن با توجه به حساسیت‌های موجود پیرامون دعاوی هتک حیثیت و شرایط خاص ارتکاب این خطا، ارائه راه‌حل مطلوب نیازمند توجه به فرهنگ و سنت‌های مورد احترام جامعه ایرانی و مصالح عمومی کشور است و اعمال قواعد عام حل تعارض، در مورد هتک-حیثیت نمی‌تواند این ملاحظه را برآورده نماید.

علاوه بر این، اعمال قاعده مقرر دادگاه سبب وجود قوانین قابل اعمال به تعداد دادگاه‌های صالح خواهد شد (Kuipers, 2011, p.1699). این وضعیت به خصوص در جایی که صلاحیت دادگاه بر مبنای محل وقوع خسارت باشد، مشکل‌ساز خواهد بود؛ زیرا با وجود چندین کشور که حیثیت زیان‌دیده در آن لطمه دیده، اعمال صلاحیت چندین دادگاه نسبت به مقدار خسارات وارده در حوزه قضایی خودشان ممکن بوده و زیان‌دیده می‌تواند با بررسی قانون ماهوی هر کدام از این کشورها، دادگاه یا دادگاه‌های دلخواه خویش را برگزیند. با اقامه دعوی گزینشی خواهان، خوانده نمی‌تواند سرنوشت دعوی خویش را پیش‌بینی کند و در موضع بسیار ضعیف و بی‌دفاعی قرار می‌گیرد. در چنین حالتی، آزادی بیان ناشران و رسانه‌ها مهم-ترین چالش پیشروی نظام حقوقی ایران خواهد بود.

همچنین، به کارگیری قاعده محل وقوع عمل زیانبار، تنها در ارتباط با برخی کشورهای متعاقد چندان پیامد مطلوبی ندارد، زیرا در دعاوی هتک‌حیثیت که بطور عموم، کشورهای متعددی درگیر هستند، ممکن است قانون کشور ثالثی بعنوان قانون حاکم تعیین شود و در این صورت، اعمال قانون دولت ثالث در روابط قضایی بین دو دولت متعاقد با فلسفه توافقنامه‌های دولتی مغایر به نظر می‌آید و مقصود معاهده را برآورده نمی‌کند. همین مسئله در رابطه با به کارگیری قاعده محل وقوع عمل زیانبار به طور کلی نیز وجود دارد؛ چراکه

ممکن است منتهی به حاکمیت قانونی در قلمرو سرزمینی ایران گردد که با ارزش‌های جامعه ایرانی ناهمگون باشد؛ چنانکه حقوق انگلستان و اتحادیه اروپا اعمال قواعد کلی مبتنی بر محل وقوع عمل زیانبار را برای دعاوی هتک‌حیثیت تجویز نکرده‌اند.

با توجه به ملاحظات یادشده، به نظر می‌رسد، قانونگذاران ایرانی می‌بایست در خصوص دعاوی هتک‌حیثیت اقدام به وضع قاعده حل تعارض قوانین خاصی کنند؛ بطوریکه قانون قابل اعمال ضمن حرمت نهادن به فرهنگ، سنت و ارزش‌های ایرانی، بتواند عدالت را بین طرفین دعوا به ارمغان آورد. علاوه بر این، قاعده حل تعارض می‌بایست با پیشرفت‌های رسانه‌ها همگام باشد. بر این اساس، محل اقامت عادی<sup>1</sup> زیان‌دیده به‌عنوان عامل ارتباطی مطلوب برای قانونگذاران ایرانی پیشنهاد می‌گردد؛ چراکه این عامل ارتباطی قانونی غیرمتعدد و قابل پیش‌بینی را تعیین می‌کند، به گونه‌ای که خواننده در زمان انتشار مطالب خویش به راحتی می‌تواند از محل عادی زیان‌دیده آگاهی یابد. همچنین، اعمال این قاعده منجر به حاکمیت قانونی خواهد شد که بیشترین ارتباط را با دعوا دارد و عمده‌ترین میزان خسارت در این محل روی می‌دهد؛ زیرا هنجارها و ارزش‌های اجتماعی محل اقامت خواهان بر حیثیت وی تاثیرگذار است و این محل را می‌توان مرکز مهم منافع او دانست.

## نتیجه‌گیری

در نظام‌های حقوقی انگلستان، اتحادیه اروپا و ایران هیچگونه قاعده حل تعارض خاصی برای دعاوی هتک‌حیثیت وضع نشده است. در انگلستان و اتحادیه اروپا با توجه به حساسیت‌های موجود پیرامون دعاوی هتک‌حیثیت و هراس دولت‌ها از پیمان شدن حقوق شهروندان خود، دعاوی هتک‌حیثیت را از شمول قواعد کلی حل تعارض در الزامات غیرقراردادی خارج کرده‌اند. لیکن حقوق ایران هیچگونه اشاره‌ای به دعاوی هتک‌حیثیت نداشته و بدین جهت، قواعد کلی حل تعارض نسبت به هتک‌حیثیت نیز قابل اعمال است.

استثناء دعاوی هتک‌حیثیت نسبت به سایر الزامات غیرقراردادی در انگلستان باعث گردیده تا قواعد سنتی حقوق عرفی توسط دادگاه‌های این کشور اعمال گردد. به موجب این قواعد دعوا در صورتی توفیق خواهد یافت که عمل ارتکاب یافته هم مطابق حقوق انگلستان و هم براساس قانون محل وقوع عمل زیانبار قابل شکایت باشد. لیکن این قاعده حل تعارض قدیمی بوده و با شرایط کنونی رسانه‌ها و پیشرفت‌های آن همخوانی ندارد. در اتحادیه اروپا، با

<sup>1</sup> Habitual residence

خروج هتک حیثیت از مقررات رم ۲، قواعد حل تعارض ملی کشورهای عضو در این باره اعمال می‌شود. وجود سنت‌ها و عقاید مختلف در بین کشورهای اروپایی سبب حاکمیت قوانین متنوعی را در سطح اتحادیه اروپا شده، به طوریکه ممکن است، به تعداد کشورهای عضو قانون قابل اعمال وجود داشته باشد. این امر به شدت آثار نامطلوبی بر قابلیت پیش‌بینی و قطعیت حقوقی دارد. در حقوق ایران، عدم وضع قاعده حل تعارض خاص، باعث به کارگیری قواعد عام حل تعارض مطابق با اصل سرزمینی بودن قوانین ایران شده است، بطوریکه دادگاه ایرانی پس از احراز صلاحیت خود، قانون ایران را اعمال خواهد کرد. از آنجا که اعمال قانون مقر دادگاه بطور کامل بستگی به صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده دارد، خواهان می‌تواند در صورتی که قانون ایران را مساعد به حال خویش ببیند، با اقامه دعوا در ایران، قانون آن را بر دعوا حاکم گرداند.

بنابراین، قواعد ارائه شده در سه نظام حقوقی مورد مطالعه کاستی دارد و پیامدهای مطلوبی را برای اصحاب دعوا به همراه ندارد. به همین دلیل، این نظام‌ها نیازمند اصلاح قواعد حل تعارض قوانین خود در زمینه دعاوی هتک حیثیت هستند. بدین جهت، پیشنهاد می‌گردد، نظام‌های حقوقی مورد مطالعه محل اقامت عادی زیان دیده را به عنوان عامل ارتباطی در دعاوی هتک حیثیت استفاده نمایند؛ چراکه این عامل ارتباطی با تعیین قانون واحد برای دعاوی هتک حیثیت، ضمن هماهنگی با پیشرفت ابزار نوین رسانه‌ای، از قابلیت پیش‌بینی و قطعیت حقوقی برخوردار است و حاکمیت قانونی را تضمین می‌کند که ارتباط عمده‌ای با دعوا دارد.